

دنیا پرستی سرآغاز فتنه ها

دل به دنیا بستن و همه چیز را در امروز خلاصه کردن و فکر فردا و فرداها را نکردن آفتی برای آسایش و زندگی انسان هاست. برخی ها دنیا را هدف قرار داده و فکر فردای قیامت و حساب پس دادن در پیشگاه احدیت را نکرده و تا می توانند نامردی می کنند و به راه های کج متوسل می شوند تا شاید این دو روز را به کام خود ببینند و در رویاها سیر بکنند.

دل به دنیا بستن در احادیث اسلامی بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است. مولای متقیان حضرت علی(ع) می فرماید: "دنیا پرستی سرآغاز فتنه ها و ریشه همه محنت ها و رنج هاست".

وقتی عشق به دنیا در وجود آدمی لانه می کند چشم ها بر روی واقعیت ها بسته می شود. چنین کسی حاضر می شود برای آباد کردن دنیایش همه خوبی ها و اصول را زیر پا بگذارد. چنین افرادی چشم دارند ولی گویی نابینا هستند، گوش دارند اما گویی ناشنوا هستند، زبان دارند ولی جز به آنچه به آن دل بسته اند گوش نمی کنند و برای رسیدن به این محبوب یعنی دنیا تن به هر ذلتی می دهند.

سعدی علیه الرحمه در بیت زیر نصیحت بزرگی برای علاقه مندان به دنیا می کند:

بسی تیر و مرداد و اردیبهشت

بیاید که ما خاک باشیم و خشت

حافظ هم می گوید:

بر لب جوی نشین و گذر عمر ببین

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

قصر فردوس به پاداش عمل می بخشند

ما که رندیم و گدا دیر مغان ما را بس

دل به دنیا سپردن و همه چیز را برای خود خواستن زندگی را تباه و روزگار انسان را سیاه می کند. ممکن است چند روزی چرخ ایام به کام دنیاپرستان و حسد ورزان بچرخد ولی در نهایت آنها بازنده خواهند بود.

خواجوی کرمانی چه زیبا گفته است:

دل بر این پیرزن عشوه گر دهر مبند

کاین عروسی است که در عقد بسی داماد است

انسانی که دل به دنیا دارد همیشه در طلب رسیدن به آن چیزهایی است که بتواند در سایه آن ها خودی نشان بدهد، احساس غرور بکند و حکم براند و بر اسب مراد سوار بشود.

دل نكندن از دنيا انسان را به هر كار زشت و ناروايي وا مي دارد و چنين مي شود كه برخي ها براي از دست ندادن آثار و بقايای دنيا پرستي شان دست به هر كاري مي زنند و ابايي هم از آنچه مي كنند ندارند.

عوامل متعددي هستند كه مي توانند آدمي را به سوي دنيا پرستي سوق بدهند. عوامل اجتماعي و طبيعي در دل بستن انسان ها به دنيا نقش آفريني مي كنند. از عوامل اجتماعي موثر در اين امر مي توان از چشم هم چشمي و فرار از مذمت و نكوهش ذكر كرد و در كنار آنها نيز از عامل مهمي به نام وسوسه هاي شيطاني نبايد غافل ماند.

وقتي كسي دو دستي بر يك موقعيت مي چسبد و همه چيز را به پاي حفظ آن مي ريزد حتي حاضر مي شود كه فرزندش را قرباني بكند نمونه هاي بارزي از دنياپرستي به شمار مي رود.

دل به دنيا بستن شهامت، شجاعت واقعي و عشق به جامعه و مردم را در آدمي از بين مي برد و انسان را به عروسكي مطيع و فرمانبردار در دست دنيا تبديل مي كند.

اين مطلب را با حديثي از رسول اكرم(ص) به پايان مي برسيم كه فرمودند:

“اكبر الكبائر حب الدنيا”

“بزرگ ترين گناهان، دنياپرستي است”